

پیش‌خواب

به بهانه باز نشر خاطرات آیت‌الله سیدعلی اصغر دستغیب

چالش‌های انقلاب در شیراز

■ **محمدرضا کائینی**



اثر تاریخی- روایی خاطرات آیت‌الله سیدعلی اصغر دستغیب، اخیراً با اضافات فراوان از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی باز نشر شده است. ناشر در دیباچه

این اثر در باره علل و ضرورت‌های انتشار این گونه آثار آورده است: «با آنکه خاطره‌نویسی و خاطره‌گویی در روزگار ما مورد قبول و توجه جدی قرار گرفته، به معنای امروزی‌ن آن رواج و سابقه چندانی در ادب و تاریخ این سرزمین نداشته است. در آثار گذشتگان رد و نشان خاطره‌نویسی را می‌توان در زندگینامه‌ها، تذکره‌ها، سفرنامه‌ها، وقایع‌نامه‌ها وحسب‌الحال‌ها و امثال آن جست‌وجو کرد. خاطره بنابر اتفاق رای تاریخ‌شناسان از جمله منابع مهم تاریخی به شمار می‌آید. خاطره‌ها و خاطره‌نگاشته‌ها از حیث نقش و حضور راوی در وقایع و مقاطع تاریخی، فراگیری موضوع و محتوا، چگونگی نقل و نگارش و توجه صاحب خاطره به رعایت دقت در نقل و پرهیز از دیگرگون‌نمایی ارزش و اعتبار می‌یابند. نهضت اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی(ره) در ذیل و تداوم تاریخ اسلام و قیام‌ها حق طلبانه شیعیه و در گستره تاریخ ایران و دوران معاصر از چنان عظمت و اهمیتی برخوردار است که سال‌های کمال باید در آن مطالعه و مذاقه شود. در این میان شناخت چند و چون حوادث پیدا و پنهانی که از نخستین بارقه‌های قیسم تا انفجار نور به وقوع پیوسته به طریق اولی بر ذمه زبان و قلم آنان است که در بطن و متن این واقعه بزرگ حضور داشته‌اند. نقل و نگارش و تدوین خاطرات و مشاهدات انسان‌های آزاده و برانگیخته‌ای که از طلایع قیام یاریگر رهبری و نهضت بوده‌اند می‌تواند روشنگر تنگه‌ها



آیت‌الله سیدعلی اصغر دستغیب در کنار شهید آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب

و ناگفته‌ها و شناسای تلاش و همت ایشان باشد و فراتر از این در بازشناسی و پژوهش تاریخ جامع انقلاب اسلامی به کار آید.»

آیت‌الله سیدعلی اصغر دستغیب راوی خاطرات نیز بر این کتاب مقدمه‌ای نگاشته است که ماهیت خاطره‌نگاری وی را تا حدودی روشن می‌سازد: «انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی(قدس سره) قیامی الهی بود که در امتداد خط حرکت ایمان‌نشدن و به خصوص حضرت ختمی مرتبت محمدمصطفی(ص) و ائمه معصومین(ع) به وقع پیوست. میلیون‌ها انسان حق طلب با ندایی آشنا همچون دریای خروشان جاری شدند و بر نیروی ایمان نشاندن و به عنوان قدرت لایزال حق تعالی به پیروزی رسیدند و همچنان برای حراست از ره‌آورد‌های عظیم انقلاب افتخارآفرین خود یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ثابت و استوار ایستادند و به عنوان ملتی مقاوم و ایثار گر الگوی جهانی شدند.

اینتجانب در این میان قطره‌ای از آن دریای بیکران بودام و اگر در سایه الطاف الهی و برکات اولیای بزرگوارش گامی ناچیز بر بادشته‌ام هرگز قابل‌خطور به خاطر نیست تا چه رسد که لایق تحریر یا خاطره باشد. لکن با توجه به توضیحات کتبی یا حضوری بعضی مسئولان گر انقدر مبنی بر ضرورت ثبت و ضبط وقایع انقلاب و در خواست ارسال مکتوبی از خاطرات، احساس وظیفه نموده و این مجموعه را تهیه و تقدیم داشتم. شایان ذکر است که قبیل از پیروزی انقلاب اسلامی، ساواک استبداد و به وسیله مردم مؤمن و انقلابی تسخیر شد و اسناد و مدارک توسط اشخاص مختلف از آن محل خارج گردید، در همان اثنا یکی از خواهران تلفنی اطلاع داد که پرونده اینجانب در منزل ایشان است و متعاقباً آن را به خود تحویل داد که پس از پیروزی انقلاب و تهیه فتوایی از صفحاتش اصل آن را به محلی که جهت جمع‌آوری و نگهداری اسناد و مدارک تعیین شده بود باز گردانیدم.بنابر این اسنادی که در آخر این نوشتار بازنویسی شده نسخه‌هایی از فتوایی نبوده اینجانب است. با توجه به لزوم ارائه اصل اسناد نمونه‌هایی نیز در بخش ضمیمه، به صورت پالایش شده آن آمده است. از خداوند متعال خواهم که ما را از شر شیطان و نفس‌اماره در امان داشته و حسن عاقبت عنایت فرماید.»

■ **احمد رضا صدری**

پنجه پیش‌رو دارید. ادامه وقایع نگاری روزهای سر نوشت‌ساز پیست‌ویکم و بیست‌ودوم سال ۱۳۵۷ است. امید می‌برسم این روایت برای همگان به و سژه جوانان مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **پست و یکم بهمن ۱۳۵۷**

تیراندازی در اطراف یادگان نیروی هوایی به اولین ساعات بامداد روز بیست‌ویکم بهمن ماه سال ۱۳۵۷ کشیده شد.مردم در راهمه و هراس از قتل عام همافران بی توجه به ساعات حکومت نظامی به خیابان‌ها ریختند و به سمت یادگان نیروی هوایی حرکت کردند. سنگربندی‌های اطراف نیروی هوایی باعث شد تا نیروهای گارد نتوانند به هدف‌های خود برسند و یادگان را به تصرف در آورند. با آغاز روز از شدت درگیری‌ها کاسته شد، اما این آرامش موقتی تنها فرصتی برای تجدیدقوا بود. خیابان‌های تهران به سرعت سنگربندی شد. اسلحه‌های پنهان شده در دستان مردم پدیدار شد، به خصوص بعداز درگیری شب قبل تعداد زیادی اسلحه در اختیار مردم قرار گرفت.

قره‌باغی از طریق تلفن برای کنترل اوضاع دستور صادر می‌کرد. مهندس جفروودی،از دوستان مهندس بازرگان در تماسی با قره‌باغی از او خواست برای برگزاری جلسه‌ای سه نفره (بختیار، بازرگان و قره‌باغی) به منزل وی (جفرودی) بیایند. جفرودی اضافه کرد: «من آدرس و ساعت را بعدا به اطلاع تیمسار خواهم رساند.»^(۱) این در حالی بود که بختیار در مجلس سنا به ستائورها گفته بود: «باید با مردم مقابله با تیر کرد، بلکه باید به مخالفین به صورت برادر نگاه کنیم.»^(۲) از سوی دیگر بعد از مشورت با سپهبد رحیمی، فرماندار نظامی تهران دستور داد تا «ساعت منع عبور و مرور را ۴:۳۰ بعدازظهر اعلان کنند.»^(۳) بختیار علت این کار را برقراری آرامش در شهر و جلوگیری از اغتشاش عنوان کرد. در ساعت دو بعدازظهر در اخبار رادیو اعلامیه بعدازظهری نظامی تهران پخش شد: «ساعت منع رفت و آمد از ۴:۳۰ بعدازظهر!» اعمال خواهد شد. برای بسیاری از مردم و به‌ویژه کسانی که در مدرسه علوی و مدرسه رفاه حضور داشتند، این خبر تنها یک معنی داشت: «کودتا!»

خلوت شدن شهر فرصت مناسبی برای فرماندهان تندرو ار تش همچون بدره‌ای، رحیمی و توفانیان به وجود می‌آورد تا با حمله به مکان‌های حساس همچون محل اقامت امام و دستگیری ایشان و پیش‌پا بی آن قتل عام مردم انقلاب را در آستانه پیروزی به شکست بکشانند. در همین ساعات هم به‌راستی طرح کودتا زیر دست تعدادی از فرماندهان بررسی می‌شد، طرحی که از آن با عنوان «عملیات نجات» نام برده می‌شد. از همین‌رو امام خمینی در اقدامی سنجیده و به‌موقع (بلافاصله پس از اعلامیه فرمانداری نظامی تهران مبنی بر برقراری حکومت نظامی از ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر) در پیمای که از طریق بلندگوی نصب شده روی ماشین‌ها به‌سرعت در سراسر تهران پخش شد، از مردم خواستند به اعلامیه فرمانداری نظامی توجه نکنند و به تظاهرات خویش ادامه دهند. همچنین آیت‌الله طالقانی طی پیامی فرمودند: «واقعۀ دیشب و امروز صبح یادگان نیروی هوایی، توطنه‌ای است که مسلماً از ناحیه بعضی از مسئولان جزء برای تدارک یک برادر کشتی بزرگ و ایجاد خصومت و دشمنی بین فرزندان ارثی ما به وجود آمده است... اینک نیز از طرفین قضیه به عنوان یک پدر روحانی تقاضا دارم رهبر ملت، امام خمینی به سستیزه‌جویی و درگیری خاتمه دهند و همه به سرپاز خانه‌های خود برگردند... از مقامات بالای ارتش نیز قویا خواستارم مسئول یا مسئولان تهاجم شبانه به پایگاه هوایی فرج‌آباد را تعیین و به مجازات حقّه تسلیم نمایند و عموم ملت نیز با تسلط بر اعصاب خود، از مداخله جویی و مقابله‌های

وقایع روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در تاریخ انقلاب

شکست کودتا و پایان ماجرا

فردی سخت پرهیز نمایند.»^(۴)

بختیار طی مصاحبه‌ای شایعه کودتا را تکذیب کرد و گفت که نه کودتایی انجام گرفته و نه کسی قصد داشته است به محل اقامت حضرت آیت‌الله خمینی یا دفتر مهندس بازرگان حمله کند. ظاهراً گروهی از همافران دستخوش احساسات شده و گروه دیگری در برابر آنها واکنش نشان داده‌اند، اما در جلسه شورای امنیت ملی همان روز بختیار دستور دستگیری عده‌ای را به تیمسار مقدم داد. این عده شامل امام ، نزدیکان و یاران وی و همچنین عده‌ای از نویسندگان و سران احزاب مخالف رژیم بودند.

سپهبد رحیمی به سرهنگ کیخسرو نصرتی، رئیس ستاد پلیس تهران دستور داد در تمامی ساختمان‌های مشرف به میدان‌ها و مراکز عمومی شهر سنگرگیری کنند و آماده باشند تا نیروهای ارتشی به آنها ملحق شوند. برنامه ستاد کودتا – که در یادگان لویزان زیر نظر بدره‌ای تشکیل شده بود – آن بود که با آغاز دوباره درگیری‌های مسلحانه و شروع کودتا نیروهای ارتشی در شهرستان‌های نزدیک تهران همانند تیپ زرهی قزوین خود را به تهران برسانند و وارد عمل شوند. از سوی دیگر مهندس بازرگان هم در اعلامیه‌ای تغییر ساعت ممنوعیت عبور و مرور شهر تهران را توطنه‌ای تهران (انقلاب اعلام کرد. بنا غروب آفتاب، به‌نتنها از جمعیت حاضر در خیابان‌ها کاسته نشد، بلکه هر لحظه بر تعداد جمعیت افزوده می‌شد. رادیو تهران در باره وضعیت شهر چنین گزارش داد:

«تمام شهر در حال عصیان و قیام است. مردم نمی‌گذارند مقامات حکومت نظامی مقررات منع عبور و مرور را در شهر که بعدازظهر قرار بود اجرا شود اعمال کنند. تقریباً در تمام نقاط شهر به فاصله هر چند صد متر سنگرهایی برپا شده‌است، اما ساعتی بعد با نزدیک شدن نیمه شب و حمله مردم به تعدادی از کلاتری‌ها



دست‌انداختن به پارتی‌ها

امام خمینی: «اگر اخلا لگران بخواهند با آتش‌سوزی و خرابکاری فاجعه به بار آورند، مردم آنان را به وظیفه شرعی و انسانی‌شان آگاه گردانند و نگذارند این قبیل کارها موجب هتک حرمت ملت شود و بر سفار تخانه‌ها حمله نکنند و اگر – خدای خواسته – آتش باز به میدان آمد، واجب است آنان را با شدید ترین وجه دفع و با تمام نیرو و قدرت از خود دفاع نمایند»



۲۲ بهمن ۱۳۵۷ حضور بر آتش‌طاش مسلح در خیابان‌ها

در شرق تهران گارد شاهنشاهی وارد عمل شد و به این ترتیب خونین‌ترین درگیری‌های تاریخ مبارزات انقلابی ایران آغاز شد. تعداد کشته‌شدگان به‌سرعت افزایش یافت. سازمان پزشکی قانونی، آمار کشته‌شدگان بیستم و بیست‌ویکم را ۱۶۶ نفر و تعداد مجروحان را ۶۳۴ نفر اعلام کرد.

تعدادی زره‌پوش در حالی که به سمت میدان فوزیه (امام حسین فعلی) در حرکت بودند، با سنگرهایی که مردم ساخته بودند، روبه‌رو شدند و با در هم کوبیدن این سنگرها راه خود را گشودند. درگیری در اطراف بازار تهران و همچنین اطراف میدان ۲۵ مهرپور (۷ تیر فعلی) هم آغاز شد. همچنین عده‌ای راه آموران امنیتی با اتومبیل‌های شخصی در حال گذر از خیابان مردم را به گلوله بستند. آن لحظه‌ها از معدود لحظه‌های تاریخ انقلاب بود که مردم جواب گلوله را با گلوله می‌دادند. در اطراف کلاتری‌ها در نقاط مختلف تهران سنگین‌ترین نبردها ادامه داشت. سیل مردان مسلح که به مقابله با نیروهای شهربانی و گارد رفته بودند، غیر قابل تصور بود. ساعات کوتاهی پس از تاریکی هوا اولین کلاتری سقوط کرد. کلاتری ۱۶ بعد از تصرف مردم پاک‌سازی شد و مردم بیشتری مسلح شدند. درگیری در اطراف کلاتری ۱۴ به‌شدت ادامه داشت. نیروهای شهربانی و گارد شش نفر را کشتند. اما این کلاتری هم بالاخره در ساعت ۹ شب سقوط کرد و به دست مردم افتاد. کلاتری ۹ واقع در میدان بهارستان و همچنین کلاتری ۲۱ واقع در کوکائولا هم به وسیله مردم تسخیر شد. با سقوط کلاتری ۱۷ نازی‌آباد یخش عمده‌ای از جنوب شهر تهران تحت نظر مردم قرار گرفت. حمله همه‌جانبه مردم به کلاتری ۱۱ موجب عقب‌نشینی افراد کلاتری به داخل مدرسه مجاور شد. پس از آن کلاتری به دست مردم افتاد. در پی آن نبرد سنگینی بین افراد داخل مدرسه و نیروهای مردمی حاضر در کلاتری آغاز شد. پس از مدتی کلاتری‌های ۷ و ۱۲ تخلیه شدند. هر چند این تخلیه با میل افراد گارد شهربانی و بیشتر برای عدم یاروینی با مردم صورت گرفت.

■ **بیست‌ودوم بهمن ۱۳۵۷**

با آغاز اولین ساعت روز بیست‌ودوم بهمن ماه، چیزی از شدت نبرد کاسته نشد. خستگی، بی‌خوابی، تاریکی و سرما از میدان نبرد رخت برسته بود. با تخلیه کلاتری‌ها قرارگاه مرکزی پلیس محل تجمع نیروهای گارد شهربانی شد تا از آن محافظت کنند. یک تنبیر زرهی هنگام عبور از خیابان سپه (امام خمینی فعلی) به طرف میدان توپخانه با هجوم مأموران قرارگاه مرکزی روبه‌رو شد که پس از مدتی دو طرف به اشتباه خود پی بردند. همچنین مأموران کلاتری‌های ۱۳ و ۱۸ که اقدام به تخلیه کلاتری‌ها کرده بودند هنگام نزدیک شدن به قرارگاه مرکزی مورد هجوم و تیراندازی قرارگاه قرار گرفتند که پس از لحظاتی این درگیری هم تمام شد. ستون‌های زرهی گارد که برای در هم کوبیدن مردم با اتکا به تانک‌های مدرن چیفتن وارد خیابان‌های تهران شده بودند، در نقاط مختلف تهران با مقاومت شدید مردم – که با بمب‌های یزینی به آنها حمله می‌کردند – روبه‌رو شدند. واحد بزرگی از گارد در خیابان سیلان در حال حرکت بود که وارد حمله مردم و پرسنل نیروی هوایی قرار گرفت و با شدت یافتن حمله انقلابیون مجبور به عقب‌نشینی شد. واحد زرهی دیگری هم در ساعت سه نیمه شب در میدان فوزیه (میدان امام حسین فعلی) مورد حمله مردم قرار گرفت. در این حمله یکی از تانک‌ها زیر پل فوزیه آتش گرفت و پس از لحظاتی خدمه‌های تانک از آن خارج شدند. یکی از افراد سرلشکر ریاحی، یکی از فرماندهان لشکر گارد بود که به اسارت در آمد و به ستاد امام منتقل شد.

در سیه‌دم بیست‌ودوم بهمن ماه، اکثر کلاتری‌ها به دست انقلابیون افتاده بود. اما کلاتری ۵ واقع در میدان ثریا (میدان گرگان فعلی) هنوز در اختیار شهربانی

بود. در ساعت ۱۳:۳۰ بامداد گروهی از افراد نیروی هوایی به کلاتری ۶ حمله کردند. آنها از چند طرف به میدان ثریا – که در آن نیروهای فرمانداری نظامی متمرکز بودند – حمله کردند. با آمدن نیروهای پشتیبان مردمی افراد فرمانداری به داخل کلاتری عقب‌نشینی کردند. بیش از شش ساعت جنگ و گریز در این منطقه ادامه داشت و وقتی فاصله مأموران نیروی هوایی و الان هم با وضع بسیار بد و به ۳۰ متر بیشتر نبود، ناگهان تانک‌های فرمانداری نظامی وارد عمل شدند و با مسلسل‌های سنگین تمام منطقه را به رگبار بستند. این در حالی بود که کلاتری در حال سقوط نبود. به این ترتیب مردم از تصرف کلاتری منصرف شدند و عقب‌نشستند، اما کار در اینجا پایان نیافت، زیرا پس از آن یورش تانک‌ها به منطقه تهران نو آغاز شد.

با تسخیر کلاتری‌ها توجه مردم به مکان‌های مهم‌تر نظامی معطوف شد. حمله به کارخانه تسلیحات ارتش – که از ساعت ۱۱ شب قبل شروع شده بود – همچنان ادامه داشت. داخل کارخانه چند تانک و گروهی از سربازان فرماندهی نظامی مستقر بودند. بعد از دقایقی تیراندازی از پشت سنگرهای خیابانی به سمت کارخانه تسلیحات یکی از تفنگداران ارتش با صدای بلند از نظامیان داخل کارخانه خواست تا تسلیم شوند. گروهی از مردم نیز با صدای بلند و هماهنگ این درخواست را تکرار کردند. به سربازان داخل کارخانه هشدار

داده شد در صورت مقاومت تا صبح به آنها حمله خواهد شد، اما از جانب آنها پاسخی شنیده نشد. به این ترتیب نبرد سنگینی میان دو طرف آغاز شد. تفنگداران برای نفوذ به داخل کارخانه از تریلی وایت استفاده کردند. تریلی در حالی که دنده عقب می‌رفت، در جنوب غربی را شکست و بدین ترتیب حمله به کارخانه آغاز شد. تفنگداران در حالی که با آتش جنگ‌افزار از یکد یگر حمایت می‌کردند، آرام آرام خود را به داخل کارخانه کشیدند. در همین لحظات گروه دیگری نیز به ملع شرقی تسلیحات هجوم بردند، عده زیادی از افراد نیروی هوایی و چریک‌ها این قسمت تسلیحات ارتش را زیر آتش گرفته بودند. درگیری‌ها تا هشت صبح ادامه داشت تا بالاخره دیوار طبع شرقی تسلیحات خراب شد و هزاران نفر از مردم به داخل کارخانه تسلیحات وارد شدند. هر کس هر چه به دستش می‌رسید می‌داشت و به خارج می‌آمد. تیربارهای سنگین، اسلحه گرمی، سر نیزه و... این در حالی بود که بیشتر این سلاح‌ها فشنگ نداشتند و قابل استفاده نبودند. در قسمت غربی کارخانه تسلیحات هنوز سربازان مقاومت می‌کردند. عده‌ای از سربازان با تانک از داخل تسلیحات خارج شدند و به سوی مردم تیراندازی کردند. مردم نیز با کوکتل موزونه به مقابله برخاستند. در ساعت ۵ صبح تسلیحات ارتش به تصرف نیروهای مردمی درآمد.

در اطراف یادگان عشترباد هم درگیری‌های شدیدی آغاز شده بود و فشار زیادی نیز بر محافظان مسلسل‌سازی وارد می‌شد و کمک رساندن به نیروهای مستقر در مسلسل‌سازی به خاطر هر ج و مرج بیش از حد در واحدهای مختلف ارتش بی‌نتیجه ماند. حتی دستور قره‌باغی به معاونت هواپروز برای پیاده کردن نیروو به وسیله هلیکوپتر در محوطه کارخانه نادیده گرفته شد.

از سوی دیگر بختیار به مهندس جفرودی خبر می‌دهد تا با بازرگان تماس بگیرد و او بگوید که بختیار دستور بمباران مسلسل‌سازی را صادر کرده و چون محل بر جمعیت است، آقای بازرگان از ساکنین حول و حوش کارخانه مسلسل‌سازی بخواهند خانه‌هایشان را تخلیه کنند.^(۵)قره‌باغی تسلیم تصمیم بختیار نشد و آن را به جلسه فرماندهان موکول کرد. این در حالی بود که با تلاش‌های مردم و سربازان نیروی هوایی در ساعت ۸ صبح مسلسل‌سازی به تصرف نیروهای انقلابی در آمد. نخستین اطلاعیه ارتش مردم از سوی ستاد رهبری عملیات مسلحانه به صورت نظامی دستور داده شود که و روی دیوارها چسبانده شد. این اطلاعیه شامل دستورالعمل‌هایی به شرح زیر بود:

۱- از پرانکند شدن خودداری فرمایید.
۲- از بی‌نظمی جلوگیری کنید.
۳- از مصرف مهمات برای تمرین و آزمایش خودداری کنید.
۴- با تشکیل دسته‌های سه تا ۹ نفری هر نوع یورش مهاجمان را خنثی کنید.
۵- هزار تیراندازی به‌طور همزمان خودداری کنید.
۶- وضع بحرانی و نابسامان ارتش به‌گونه‌ای شد که ستاد بزرگ ار تش‌تاران هیچ اطلاعاتی از وضعیت نیروها نداشت. از این‌رو قره‌باغی پس از مشاوره با معاونانش بلافاصله تصمیم گرفت برای مشخص شدن وضعیت ارتش جلسهای در ستاد با حضور فرماندهان نیروها تشکیل دهد و اوضاع را بررسی کند. در فاصله تشکیل شورا، مهندس جفرودی با قره‌باغی تماس گرفت. آن دو قرار گذاشتند تا ساعت ۴ بعدازظهر روز ۲۲ بهمن در منزل جفرودی جلسه تشکیل دهند. امام خمینی در جواب استغفای گروهی از افسران در باره پایبندی نداشتند. از تشدید قره‌باغی، از تشدید شفقت، از تشدید حسین فردوست، سپهبد هوشنگ حاتم، سپهبد ناصر مقدم، سپهبد عبدالعلی بدره‌ای، سپهبد

روزنامه جوان | شماره ۵۵۸۸

رحیمی و دریاسالار حبیب‌اللهی (فرمانده نیروی دریایی) به همراه ۱۴ سپهبد دیگر و تعدادی سرلشکر و دریاسالار در این جلسه حضور داشتند. در این جلسه ابتدا فرماندهان نیروهای هوایی و زمینی از نابسامانی موجود در نیروهای تحت امر خود گفتند. ربیعی گفت:

«به علت تیراندازی من در پست فرماندهی نیروی هوایی زندانی بومد و الان هم با وضع بسیار بد و به حالت خزیده توانستم خود را از ساختمان پست فرماندهی به هلیکوپتر برسانم و در این جلسه شرکت کنم، چون دائماً از پشت بام‌های اطراف تیراندازی می‌کنند. حالا هم هر چه زودتر باید برگردم در پست فرماندهی و آنجا باشم.»^(۶)

سرلشکر پرویز امینی افشار، رئیس اداره دوم ستاد بزرگ ارتشتاران گفت:

«کناکی که می‌توانم به اظهارات فرماندهان اضافه کنم این است که برابر آخرین خبری که در موقع آمدن به شورا به اداره دوم رسید مخالفین مرکز پلیس را در میدان سپه آمیدان امام خمینی فعلی ا به آتش کشیدند»

اما صحبت‌های سپهبد حاتم بود که بحث شورای فرماندهان را به سوی دیگری کشاند و فضای جلسه را تغییر داد. سخانی که همه فرماندهان با آنکه آن را به‌خوبی می‌دانستند، امانی خواستند یا نمی‌توانستند آن را بیان کنند.

«طوری که تیمساران ملاحظه می‌کنید، با توجه به آخرین وضعیت خصوصی یگان‌ها که فرماندهان نیرو تشریح کردند – به علمی که همه می‌دانیم – ارتش در موقعیت خاصی قرار گرفته است که نیروها، بنا به اظهار فرمانده‌شان – قادر به انجام عملی نیستند. از طرف دیگر اعلیحضرت تشریف برده‌اند و بنا به اظهار نخست‌وزیر مراجعت نمی‌کنند. ماه‌هاست که امور کشور تعطیل است. آیت‌الله خمینی خواهان جمهوری است. تمام ملت ایران هم عملاً در این مدت نشان داده‌اند که پشتیبان ایشان را خواستار جمهوری اسلامی هستند. آقای بختیار هم با توجه به اظهاراتش در مجلسین و حتی اظهارات دیروز در مجلس سنا و همچنین مصاحبه‌هایش می‌خواهد جمهوری‌اعلام کشیده و اعلام کرده است درین مردم‌نادر، آنچه به نظر می‌رسد اختلاف در این است که اعلام جمهوری کشور به وسیله که و چگونه صورت بگیرد. در کشور ترکیه از این موارد پیش آمده... ارتش خود را کنار می‌کشد و اعلام کرده است در سیاست دخالت نمی‌کند و از ملت پشتیبانی می‌کند. پیشنهادم این است که در این مناقشه سیاسی هم ارتش خود را کنار بکشد و مداخله نکند.»^(۸)

قره‌باغی وظیفه‌ای در حمایت از دولت قانونی را به فرماندهان یادآور شد. سپهبد حاتم پاسخ داد: «حالا که آقای بختیار مانند مخالفین می‌خواهد جمهوری اعلام کند، بنابر این ارتش دیگر وظیفه ندارد از ایشان پشتیبانی کند.»^(۹) و در ادامه اظهار «از طرف دیگر به‌طوری که فرماندهان اظهار می‌کنند در وضعیت فعلی ارتش عملاً قادر به پشتیبانی نیست و خیلی دیر شده است. ادامه وضعیت ارتش به این صورت هم نتیجه‌ای جز ادامه خونریزی بیپهوه ندارد، به همین دلیل است که پیشنهاد کردم ارتش بی‌طرفی خود را اعلان کند.»

در این جلسه تصمیم بر اعلام بی‌طرفی یا اعلام همبستگی به رأی گذاشته شد که بی‌طرفی ارتش به تصویب رسید و باینجه آن چنین تهیه شد: «ارتش ایران وظیفه دفاع از استقلال و تمامیت کشور عزیز ایران را دارد و تاکنون در نتیجه‌ای داخلی سعی کرده است با پشتیبانی از دولت‌های قانونی این وظیفه را به نحو احسن انجام دهد. با توجه به تحولات اخیر کشور شورای عالی ارتش در ساعت ۱۰:۲۰ روز بیست‌ودوم بهمن سال ۱۳۵۷ تشکیل و به اتفاق تصمیم گرفته شد که برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیشتر بی‌طرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام کند و به یگان‌ها و بر سرستاد نظامی دستور داده شود که به یادگان‌های خود مراجعت کنند. ارتش ایران همیشه پشتیبان ملت شریف، نجیب و مہین‌پرست ایران بوده است و خواهد بود و از خواسته‌های ملت شریف ایران با تمام قدرت پشتیبانی می‌کند.»^(۱۰) پس از اعلام بی‌طرفی ارتش در رادیو بختیار از ترس مخالفان از کاخ نخست‌وزیری گریخت. امام خمینی به مناسبت اعلام بی‌طرفی ارتش پیامی صادر کردند و در آن فرمودند: «ملت شجاع ایران، خواهران و برادران آگاه تهرانی، اکنون که به خواست خداوند متعال – پیروزی نزدیک است، نیروی ارتش عقب‌نشینی و عدم دخالت خود را در امور سیاسی ابراز و پشتیبانی خودشان را از ملت اعلام کرده‌اند، ملت عزیز و شجاع با کمال مراقبت از اوضاع در عین حفظ آمادگی در دفاع احتمالی فرماندهان نیروها تشکیل دهد و اوضاع را بررسی کند. در فاصله تشکیل شورا، مهندس جفرودی با قره‌باغی تماس گرفت. آن دو قرار گذاشتند تا ساعت ۴ بعدازظهر روز ۲۲ بهمن در منزل جفرودی جلسه تشکیل دهند. امام خمینی در جواب استغفای گروهی از افسران در باره پایبندی نداشتند. از تشدید قره‌باغی، از تشدید شفقت، از تشدید حسین فردوست، سپهبد هوشنگ حاتم، سپهبد ناصر مقدم، سپهبد عبدالعلی بدره‌ای، سپهبد

■ **بی‌نوشت‌ها در سرویس تاریخ «جوان» موجود است.**